

بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی و مشارکت بر محرومیت اجتماعی زنان مورد مطالعه: زنان شهر ارومیه

مریم سیدزاده طلائی^۱، سیدمحمدصادق مهدوی^۲، مصطفی ازکیا^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۲۳

چکیده

هدف این مقاله مطالعه‌ی تأثیر شبکه‌های اجتماعی و مشارکت بر محرومیت اجتماعی در بین زنان است. روش مطالعه در این مقاله روش کمی و پیمایش است و از تکنیک پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه تحت مطالعه زنان در شهر ارومیه بوده و با نمونه‌گیری سهمیه‌ای احتمالی، ۴۳۰ نفر مورد پرسش قرار گرفتند. از آزمون پیرسون برای سنجش رابطه بین متغیرها و رگرسیون چندگانه استفاده شده است. بر اساس نتایج بدست آمده، شبکه‌های اجتماعی و مجازی و مشارکت بر محرومیت اجتماعی موثر است بطوریکه با افزایش هر یک از این عوامل محرومیت اجتماعی کاهش یافته و بالعکس. عوامل مذکور ۲۲ درصد از محرومیت اجتماعی زنان را تبیین می‌کنند. میزان اثرگذاری مشارکت بر محرومیت اجتماعی قوی‌تر از بقیه عوامل است. از یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان در سیاست‌گذاری‌ها جهت کاهش محرومیت اجتماعی و افزایش نقش زنان در توسعه و کاهش محرومیت اجتماعی نیمی از جامعه استفاده کرد.

واژگان کلیدی: محرومیت اجتماعی زنان، شبکه‌های اجتماعی، مشارکت

۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، پست الکترونیکی: seyzedzadehm@gmail.com

۲ نویسنده مسئول، استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، پست الکترونیکی: sms_mahdavi@yahoo.de

۳ استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات ایران، تهران، پست الکترونیکی: Mostafa Azkia@yahoo.com

مقدمه

حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب و ایده آل همواره هدفی مهم در زندگی انسان در بیشتر جوامع بوده است از این رو جوامع همیشه در پی دستیابی به وضعیت مطلوب بوده و برای نیل به آن برنامه‌ریزی کرده اند. برنامه‌های توسعه نیز برای رهایی از وضعیت نامطلوب جامعه به وضعیت مطلوب صورت گرفته است و تحقق توسعه موزون در یک جامعه نیازمند توجه به همه ابعاد است. در جامعه‌ای که به سوی دستیابی به توسعه پایدار و همه‌جانبه گام برمی‌دارد، بهره‌مندی از مواهب توسعه، از حقوق اصلی مردم آن جامعه است. در این رابطه انتظار می‌رود اقشار و گروه‌های مختلف جامعه در هدف نهایی فرایند توسعه که تحقق برابری، عدالت، رعایت کامل حقوق بشر و ... می‌باشد، سهیم باشند، اما به استناد به تجربه تاریخ، زنان همواره از دستیابی کامل به مواهب توسعه دور مانده‌اند و این مهم در تمامی جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قابل بررسی است. بسیاری از برنامه‌ها به دلیل طراحی نمودن آنها، بدون در نظر گرفتن نگرش جنسیتی و توجه کافی به نقش زنان به عنوان عوامل و بهره‌وری از تمام ظرفیت‌های موجود در جامعه می‌باشد، از این رو نمی‌توان نیمی از جمعیت را در این میان نادیده گرفت. بدون شک، تنها عاملی که سرعت و آهنگ رشد و توسعه اقتصادی اجتماعی را تسریع می‌بخشد، "منابع انسانی" آن جامعه است. این جامعه انسانی نیز متشکل از زنان و مردانی است که تحت روابط متقابل اجتماعی، در عین وابستگی متقابل هر یک از دو جنس به یکدیگر، نقش و کارکرد ویژه‌ای را ایفا می‌کنند و بی‌تردید زنان، به عنوان نیمی از جمعیت نیز، تاثیر مستقیمی در توسعه جامعه دارند (موحدی، ۱۳۸۰: ۱۱). در قرن بیستم میلادی "تحت تاثیر بحران عمیق اقتصادی دهه ۱۹۳۰ و در اثر اعتراض‌های مردمی از یکسو و فعالیت‌های اتحادیه‌های کارگری از سوی دیگر، اقدام فوری و پایه‌ای دولت‌ها در جهت درگیر شدن با مساله فقر در دستور کار قرار گرفت و در نتیجه مطالعات فقر از سر گرفته شد (غفاری، ۱۳۸۳: ۳۵). برنامه‌های کمک‌رسانی در شرایط فقر مطلق، مساله بیمه بیکاری، از کارافتادگی و معلول شدن و به طور کلی برنامه‌های عمومی دولت رفاه اجتماعی مورد تاکید قرار گرفت. اما با اتمام جنگ جهانی دوم و تبدیل شدن آمریکا به مرکز ثقل قدرت و ثروت جهانی، شروع بازسازی ویرانه‌های جنگ و توسعه برون‌زا و بالاخره طرح مفهوم جامعه مرفه، مساله فقر مجدداً فراموش شد. لیکن در اواخر دهه ۱۹۶۰ با توجه به جنبش‌های رهایی بخش ملی، جنبش‌های از یک سو و شکست برنامه‌های توسعه برون‌زا و عمیق تر شدن شکاف بین کشورهای فقیر و غنی، دوباره مفهوم فقر و محرومیت اجتماعی مورد توجه قرار گرفت.

بیان مساله

با پیشرفت جوامع و توسعه اقتصادی- اجتماعی، به‌ویژه پس از گذار از مرحله‌ی صنعتی به فراصنعتی، روابط اجتماعی نیز دستخوش تغییرات بنیادینی شد و اصل نابرابری حاکم بلامنازع روابط اجتماعی گردید. لنوا^۱ بر این باور است که توسعه‌ی اقتصادی_ اجتماعی، محرومیت گروه‌هایی از مردم را به دنبال داشته

است (لنوا، ۱۹۷۴). کشف و توضیح خاستگاه‌های نابرابری، تمرکز بر فرآیندهای منجر به نابرابری در روابط اجتماعی زنان و در نهایت ارزیابی عوامل موثر بر محرومیت زنان از برقراری رابطه اجتماعی مناسب با جریان اصلی مردم و دولت از دغدغه‌های مهم جوامع پیشرفته و در حال توسعه می‌باشد. علی‌رغم گذر زنان و مردان از بسترهای مشابه اجتماعی، زنان به لحاظ تاریخی و تعریف ویژه از جنسیت در طول زمان، بیشتر با مساله محرومیت اجتماعی دست‌وپنجه نرم کرده‌اند. اکثر کشورهای اروپایی تجربیاتی نظیر تشکیل دولت، بحران اقتصادی، رشد نرخ بیکاری، تغییر ماهیت دولت‌ها، در رابطه با اقتصادهای دولتی و بازار آزاد، گسترش ایدئولوژی نئولیبرالی، فردگرایی را پشت سر گذاشته‌اند و در نهایت ناگزیر از چالش عمیق با مهم‌ترین مساله اجتماعی دنیای غرب یعنی فقر، محرومیت و تبعیض بوده‌اند. دولت‌های غربی از مسائلی هم‌چون تضعیف پیوندهای اجتماعی و تخریب روابط خانوادگی نیز رنج می‌برند. کشورهای اروپایی جهت مقابله با وضعیت موجود، استراتژی‌های "ضد فقر" را در دستور کار خود قرار دادند، اما افزایش فقر، نرخ بیکاری، پایین آمدن استانداردهای زندگی و روابط اجتماعی ضعیف بویژه روابط اجتماعی زنان، اروپاییان را ناگزیر از چرخش مفهومی ازگفتمان "فقر" به سوی گفتمان "محرومیت اجتماعی" کرد، به این ترتیب اساسی‌ترین مساله اجتماعی که اروپا ناگزیر از تحلیل، خوانش و تعریف آن شد "محرومیت اجتماعی" بود. لذا مراکز هم‌چون سازمان بین‌المللی، اتحادیه اروپا، یونسکو، سازمان جهانی کار، آغاز به مفهوم-سازی، نظریه‌پردازی و تکوین رویکرد محرومیت اجتماعی جهت شناخت بیشتر و درمان دردهای اجتماعی در تمامی ابعاد بویژه در حوزه زنان، کردند.

توسعه‌ی همه جانبه زنان یکی از دغدغه‌های اصلی و جهانی در هزاره جدید می‌باشد. در این راستا، جریان اصلی جنسیت به ضرورت بنیادی در فرآیند ادغام اجتماعی و سیاست‌های برابری جنسیتی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، تبدیل شده است. نخستین کنفرانس جهانی زنان در مکزیک، مسائل جنسیتی از قبیل اشتغال، برابری، انسجام، و مشارکت کامل زنان در توسعه کشورهای جهان اول پرداخت، از آن زمان به بعد، این مفاهیم بطور گسترده جزو موارد اصلی گفتمان توسعه جهانی تلقی شد (ویزد^۱، ۲۰۱۲: ۲۲). مفهوم محرومیت اجتماعی که با توسعه برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، به بخشی از جریان اصلی تفکر در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته تبدیل شده بود، مفهومی گسترده‌تر از فقر شناخته می‌شود. زیرا این مفهوم، اهمیت مشارکت در همه‌ی جنبه‌های یک جامعه‌ی خاص را منعکس می‌کند، و هم بر افراد و هم بر نهادها در راستای تواناساختن و اجبار برای مشارکت اقتصادی و اجتماعی متمرکز است. محرومیت اجتماعی، فقط به محرومیت مالی نسبی فقرا نمی‌پردازد، بلکه فرآیندهای گسترده‌تر منزوی شدن، جدا افتادن و مشارکت محدود در فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را نیز مدنظر قرار می‌دهد (باستانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۰۰). آمارتیا سن با طرح مفهوم توانمندسازی، و فقر قابلیت درک ماهیت و علل فقر را ارتقا می‌بخشد. دیدگاه قابلیت ریشه و علت فقر را در فقدان شرایطی می‌داند که امکان خروج از وضعیت فقر را برای افراد فقیر غیر ممکن ساخته است. با این وجود این دیدگاه فردگرایانه بود، لذا وی مفهوم قابلیت‌های اجتماعی را بعدها، در

چارچوب مباحث رابطه‌ای نظیر محرومیت اجتماعی مطرح کرد (سن، ۲۰۰۰). درک ظرفیت‌ها و دارایی‌هایی غیردرآمدی، شبکه‌های تعاملی و حمایت‌های غیررسمی، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، ادغام در روابط اجتماعی و چالش‌های پیش‌روی آن‌ها از مهم‌ترین اهدافی است که در رویکردهای غیرمادی به محرومیت به‌ویژه در رویکرد محرومیت اجتماعی دنبال می‌شود.

محرومیت اجتماعی موضوعی پیچیده و چندبعدی و رابطه‌ای است. عوامل زیادی بر محرومیت اجتماعی تاثیرگذارند که عوامل مادی (درآمد، مسکن، کالا، خدمات)، و عوامل معنوی (تبعیض روابطی) را شامل می‌شود (وارد^۱، ۲۰۰۹: ۲۳۹). محرومیت اجتماعی به شرایطی از محرومیت اشاره دارد که فرد و جامعه را متاثر می‌کند. محرومیت اجتماعی تجربه‌ایست توسط مردم که از مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، قدرت، مشارکت سیاسی و دسترسی به منابع جمعی مثل ابزار آموزشی، شبکه‌ی خانوادگی و غیررسمی، مصرف کالا، خدمات، تفریح و استراحت بدور هستند. مشارکت زنان در فرآیند توسعه، نه تنها به عنوان موضوع حقوق بشری و عدالت اجتماعی مطرح است، بلکه به عنوان حداقل مشارکت جهت رفع نیازهای زنان- مهم‌ترین بخش به حاشیه رانده شده- جامعه هم مورد نیاز است. پاسخ‌های مناسب به نیازهای اساسی زنان بخشی موثر در فرآیند توسعه است. ارائه‌ی راه‌حل‌های پایدار نیازمند مشارکت زنان است، که به احتمال زیاد مشارکت آن‌ها تحت تاثیر راه‌حل‌های ارائه شده هم خواهد بود. بنابراین مشارکت زنان در توسعه اجتماعی، سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات مناسب توسعه، منافی را دربردارد که نه تنها جامعه زنان، بلکه کل جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. علی‌رغم افزایش حضور زنان در فرآیند توسعه، هنوز محدودیت‌هایی که مشارکت آن‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد، وجود دارد. درصد زیادی از زنان فقیر، در حاشیه در نواحی متفاوت جهان، به واسطه‌ی ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و قانونی، از دسترسی به توسعه و مداخله در فرآیند آن دچار محدودیت هستند (موکات^۲، ۲۰۰۴: ۹).

اهمیت و ضرورت تحقیق

افزایش رفاه اقتصادی مردم و کاهش فقر یکی از اهداف اصلی برنامه‌های توسعه اقتصادی در هر کشوری است. فقر از پدیده‌های نامطلوبی است که از آغاز زندگی بشر در این کره خاکی با وی قرین و هم‌نشین بوده است. پدیده فقرهنگامی که از نسلی به نسل دیگر تداوم یابد، ریشه دوانده و به صورت یک فرهنگ تبدیل شده و به عنوان مانعی پایدار در مقابل توسعه قرار می‌گیرد. فقر واقعیتی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی سیاسی است که از دیر باز از بزرگ‌ترین مشکلات انسان بوده است و در حال حاضر نیز جامعه بشری، علی‌رغم تحولات بسیار عظیمی که در زمینه‌های مختلف علوم روی داده است، با این پدیده شوم دست و پنجه نرم می‌کند. فقر تنها بیانگر وضعیت موجود نیست، بلکه فرآیندی با ابعاد و پیچیدگی بسیار را نیز شامل می‌گردد (کاشی، حیدری، ۱۳۸۸). امروزه پیشرفت عظیمی در توسعه انسانی و اقتصادی به وقوع پیوسته است. اما، همزمان ناهماهنگی عمیق اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، بین انسان‌ها بوجود آمده است. علی

1 Ward

2 Mokate

رغم اتخاذ سیاست‌گذاری‌های فراوان توسعه‌ای، هنوز هزاران نفر زیر یوغ جنگ، خشونت، تبعیض و محرومیت، رنج می‌برند. لذا سازمان توسعه اجتماعی مستقر در بانک جهانی در تلاش است تا عوامل نهادی، اجتماعی و سیاسی مربوط به محرومیت اجتماعی را در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های توسعه ملحوظ کند. در ایران نیز مانند بسیاری دیگر از کشورهای توسعه نیافته به دلایل گوناگون از جمله عدم برخورداری اقشار مختلف از سواد و آموزش، نبود احزاب، فقدان جامعه مدنی و دیر وارد شدن در چرخه توسعه، اگر حرفی از محرومیت اجتماعی به میان می‌آید بیشتر جنبه‌های مادی را مدنظر دارد نه جنبه‌های هم‌چون مشارکت مردم، وجود احزاب، دسترسی به منابع قدرت، منزلت اجتماعی، داشتن زندگی معیشتی مستقل، شغل مناسب، حقوق شهروندی، برابری جنسیتی. توجه به محرومیت اجتماعی در کنار توجه به فقر اهمیت فراوانی دارد. هرچند توجه به این امر همیشه توامان نبوده است. لذا بررسی ابعاد محرومیت اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در این پژوهش به بررسی تأثیر و رابطه‌ی شبکه اجتماعی و مشارکت بر محرومیت اجتماعی زنان خواهیم پرداخت.

اهداف تحقیق

هدف کلی

مهمترین هدف این پژوهش اینست که عوامل (بیان شده در تحقیق) موثر بر محرومیت اجتماعی زنان در شهر ارومیه را شناسایی کند.

اهداف جزئی

- تعیین رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و محرومیت اجتماعی زنان شهر ارومیه
- تعیین رابطه بین استفاده از شبکه‌های مجازی و محرومیت اجتماعی زنان شهر ارومیه
- تعیین رابطه بین مشارکت و محرومیت اجتماعی زنان شهر ارومیه

سوالات تحقیق

سوال اصلی تحقیق با توجه به هدف اصلی تحقیق اینست که آیا رابطه معناداری بین عوامل بیان شده در تحقیق و محرومیت اجتماعی زنان شهر ارومیه وجود دارد؟

سوالات جزئی تحقیق

- آیا استفاده از یا عضویت در شبکه‌های اجتماعی بر محرومیت اجتماعی زنان موثر است و در صورت وجود تأثیر، نحوه اثرگذاری چگونه است؟
- آیا استفاده از شبکه‌های مجازی بر محرومیت اجتماعی زنان موثر است و در صورت وجود تأثیر، نحوه اثرگذاری چگونه است؟
- آیا مشارکت بر محرومیت اجتماعی زنان موثر است و در صورت وجود تأثیر، نحوه اثرگذاری چگونه است؟

پیشینه‌ی تحقیق

ژاله شادی طلب و فرشته حجتی کرمانی (۱۳۸۷)، در پژوهشی با عنوان " فقر و سرمایه اجتماعی در جامعه روستایی " به بررسی و مطالعه‌ی فقر و ابعاد سرمایه اجتماعی در روستای ورامین پرداخته است. از دید آنها بروز طرد اجتماعی، یعنی محرومیت غیرارادی مردم از فرصت‌ها مشارکت در امور اجتماعی، می‌تواند یکی از دلایل اصلی عدم توفیق برنامه‌های توسعه در کاهش فقر تلقی شود. بررسی عمیق مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی که مشارکت از اصلی‌ترین مؤلفه‌های آن است، می‌تواند به تصحیح دیدگاه برنامه‌ریزان توسعه کمک کند. این مطالعه درباره‌ی رابطه‌ی فقر و مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی انجام شده و اطلاعات آن از دو روستای منطقه ورامین با تلفیقی از روش‌های تحقیق کیفی (بحث‌های گروهی و مصاحبه‌ی عمیق) و کمی (پیمایش و ابزار پرسش‌نامه) گردآوری شده است. براساس یافته‌های پژوهش گرچه رابطه‌ی معکوس میان فقر و مؤلفه‌های سه‌گانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد، انسجام و مشارکت) تأیید شده است. اما نتایج رگرسیون چند متغیره مؤید رابطه‌ی معنادار متغیر " مشارکت در تصمیم‌گیری " از مقیاس مشارکت اجتماعی و " نزاع در میان روستاییان " از مقیاس انسجام اجتماعی با پدیده فقر است. نتایج حاکی از آن است که درجه‌ی مشارکت روستاییان از حد سهیم شدن در اطلاعات فراتر نرفته و روستاییان از مشارکت در تصمیم‌گیری در سطوح بالاتر محروم بوده‌اند. در نتیجه، مشارکت‌های از نوع ابزاری، تغییر چندانی در وضعیت فقر روستا به‌وجود نیاورده است، هم‌چنین به نظر می‌رسد ریشه دوانیدن خشونت در فرهنگ جامعه و خسارت‌های انسانی و مادی ناشی از آن، زمینه‌ی کافی را برای بروز و تداوم فقر فراهم می‌کند.

میتری بوردیا داس^۱ (۲۰۰۵)، مطالعه‌ای با عنوان " آیا ریشه‌های سنتی محرومیت بر نتایج بازار کار در هندوستان تاثیر دارد " انجام داده است. وی در بخش نخست پژوهش در پی بررسی مشارکت نیروی کار زنان و پیامدهای جنسیت بوده و در بخش دوم به طبقه، قومیت و بازار کار هندی پرداخته است. نتایج بخش اول گویای این واقعیت است که ساختارهای محدود فرصت‌ها برای زنان، عامل نرخ پایین مشارکت نیروی کار، حدود ۴۰ درصد در جامعه آماری مورد مطالعه می‌باشد. سواد و دستمزد پایین از عوامل موثر دیگر در کاهش مشارکت و ورود به بازار کار می‌باشد.

ولتاین ام مقدم^۲ (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای با عنوان " زنانه شدن فقر " اشاره به این دارد که فقر روبه رشد زنان ریشه در گرایش آماری، الگوهای فرهنگی، اقتصاد نئولیبرال دارد. تغییر در الگوها و ساختارهای استخدام و عوامل اقتصادی اجتماعی که بر روابط جنسیتی تاثیرگذار است منجر به زنانه شدن فقر در ایالات متحده، آمریکای لاتین و کشورهای در حال توسعه شده است. اقتصاد نئولیبرال باعث افزایش فقر، نابرابری، نابرابری دستمزدها، افزایش تعداد مادران با فرزندان کوچک و زنان سرپرست خانوار شده است. عدم موفقیت زنان در توانمندسازی آن‌ها را در معرض فقر شدید قرار می‌دهد.

1. Maitreyi Bordia Das

2. Moghaddam, Valentine, M

عمر اسماعیل عبدالرحمان (۲۰۱۰)، در پژوهشی با "عنوان درمانی برای فقر زنان" تقسیم نقش‌های جنسیتی بر پایه پدرسالاری پایدار را به چالش می‌کشد. از دیدگاه وی کاهش زمان فقر زنان نه تنها برای زنان و جامعه آنها مفید است بلکه باعث تحقق اهداف هزاره توسعه نیز می‌تواند باشد. درمان فقر زنان، از نظر وی توانمندسازی آنها برای استحقاق حق خود و تصمیم‌گیری فعال می‌باشد. از نظر وی مسئولیت‌های دختران و زنان و صرف زمان بیشتر برای انجام کارهای خانگی به علت تقسیم کار جنسیتی، آنها را از مشارکت فعال بازمی‌دارد. سرمایه‌گذاری در برنامه‌هایی که باعث کاهش زمان کارهای خانگی آنها مانند (تکنولوژی جدید جهت کاهش پخت غذا) می‌شود، باعث بهبود شرایط زنان در شهر و روستا خواهد بود.

مبانی نظری

نظریه محرومیت توسط نظریه‌پردازان و اقتصاددانان سیاسی، هم‌چون دورکهایم، مارکس و وبر طراحی شده است. این دانشمندان در پی توضیح همبستگی و یکپارچگی اجتماعی، از خودبستگی و محرومیت اجتماعی بودند که از انتقال جوامع روستایی در اروپا و آمریکا به جوامع شهری و صنعتی مدرن بوجود آمده بود (ویلسون^۱، ۲۰۰۶). در گفتمان سیاسی محرومیت از هر دو جناح سنتی چپ و راست طیف سیاسی نشأت گرفته است. چپ‌گرایان، محرومیت را پیامد فقر و شرایط مادی و راست‌گرایان، فساد را عامل محرومیت می‌پندارند (ویلیامز^۲، ۲۰۰۶). پلات^۳، در مورد اینکه روابط اجتماعی در قلب فهم محرومیت اجتماعی در انگلستان قرار دارد صحبت می‌کند، در حالیکه در اروپا مشارکت و یا عدم مشارکت در بازار کار مطرح است (به نقل از پلات، ۲۰۰۹: ۶۷۰). در مجموع لویتاس، محرومیت اجتماعی را در ارتباط با طبقه پایینی که تنوع قومیتیشان منجر به جدا شدنشان از جامعه شده، می‌پندارد (لویتاس، ۲۰۰۵: ۲۱). در بریتانیا تمرکز مفهوم محرومیت اجتماعی اشاره به همسایگی^۴ دارد (پلات، ۲۰۰۹: ۶۷۱). که این تفاوت‌ها گویای مناقشه و نبود توافق یکسان در حوزه محرومیت و ادغام اجتماعی است. هم‌چنین بحث‌های زیادی بین تعاریف فقر مطلق و نسبی هم وجود دارد چرا که مشخص کردن و مقایسه فقر در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه کاریست بس دشوار. در این راستا سن اذعان دارد که: "در فهم فقر عمومی، گرسنگی مکرر و یا طغیان قحطی و خشکسالی، توجه به الگوهای مالکیت و حقوق ارزی و نیروهای پنهان در پشت آنها ضروریست، که نیازمند رسیدگی دقیق مدل‌های تولید و ساختار طبقات اقتصادی و روابط درونی آنهاست (سن، ۱۹۸۱: ۶). با وجود همه‌ی این مناقشات، توافقی بر سر مفهوم فقر انجام نگرفت ولی قرار بر این شد که برنامه‌هایی جهت کاهش فقر تا سال ۲۰۱۵ صورت گیرد (سازمان بین‌الملل، ۱۹۹۵). همگام با نظریه پاول^۵، انجمن فقر و جوامع گوناگون به مفهوم محرومیت اجتماعی روی آورد که

1 Wilson

2 Williams

3 Platt

4 Neighborhood

5 Powell

نه تنها به محرومیت مادی اشاره دارد بلکه به ناتوانی فقیران در عمل کردن به حقوق اجتماعی، فرهنگی و سیاسی‌شان به عنوان شهروند اشاره دارد (پاول، ۱۹۹۵: ۲۲-۲۳). رینگن^۱، اذعان دارد که: "فقر بطور مستقیم توسط مفهوم مصرف یا غیر مستقیم توسط مفهوم درآمد تعریف می‌گردد (رینگن، ۱۹۸۸: ۳۵۱). معنای مستقیم سطح پایین مصرف یا منابع و معنای غیرمستقیم حداقل مصرف و منابع را دربر دارد. محرومیت اجتماعی موضوعی پیچیده و چندبعدی است. عوامل زیادی بر محرومیت اجتماعی تاثیرگذارند که عوامل مادی (درآمد، مسکن، کالا، خدمات)، و عوامل معنوی (تبعیض روابطی) را شامل می‌شود (وارد^۲، ۲۰۰۹: ۲۳۹). تحلیل محرومیت اجتماعی، توجه به تغییرات ساختاری و سیاست‌های نهادی مورد نیاز جامعه را جلب می‌کند. در تئوری ادغام اجتماعی، این مفهوم آنتی تز محرومیت اجتماعی محسوب می‌شود (چیروا^۳، ۲۰۰۲)، که جهت به چالش کشیدن فرآیند محرومیت اجتماعی در جامعه مورد مطالعه مورد استفاده قرار می‌گیرد. ادغام اجتماعی به معنای افزایش عزت نفس، زندگی فرهنگی و اجتماعی و مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری در خانواده و در سطح جامعه است. معنای ادغام اجتماعی بر اساس تعریف بانک جهانی به قرار زیر است: "حذف کردن محرومیت‌های سازمانی، افزایش انگیزه جهت افزایش دسترسی افراد مختلف و گروه‌های متنوع به خدمات عمومی، سرمایه و فرصت‌های توسعه (بنت^۴، ۲۰۰۲، ۵). لذا تعریف کاربردی ادغام اجتماعی به قرار زیر است: فرآیند انسجام کامل یا نسبی با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم و به میزان کمتر با جامعه بزرگتر. که شامل فضای مجاز برای احقاق حقوق، ایجاد درآمد و مشارکت کامل در بقیه حوزه‌های زندگی. ادغام اجتماعی فرآیندی است سودمند که از محرومیت و به حاشیه رانده شدن زنان که به انسجام آن‌ها با جامعه کمک می‌کند.

ادبیات مرتبط بسیاری با مفهوم محرومیت اجتماعی وجود دارد. مفهوم فقر و محرومیت اجتماعی، جزو مسائلی هستند که با شاخص‌های متفاوتی قابل بررسی هستند. لذا فقر و محرومیت اجتماعی، هردو مفاهیمی چندبعدی و چندوجهی هستند. دوهان معتقد است که محرومیت اجتماعی، عامل فقر می‌باشد. و بقیه نظریه‌پردازان در این حوزه فقر را صورتی از محرومیت اجتماعی می‌پندارند (دو هان، ۱۹۹۸، به نقل از جکسون، ۱۹۹۹). جکسون ادعا دارد که پارادایم محرومیت اجتماعی، فقر را یکی از عناصر اصلی در فرآیند به حاشیه کشیده شدن و ایجاد گروه‌های آسیب پذیر می‌باشد که محرومیت‌های پیچیده مادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را تجربه می‌کنند (جکسون، ۱۹۹۹: ۱۲۶). سن، رویکرد محرومیت اجتماعی را با چارچوب گسترده‌ای از آزادی و قابلیت‌ها مطرح می‌کند تا عوامل موثر در فرآیند محرومیت اجتماعی را توضیح دهد (سن، ۲۰۰۰). همانطور که اشاره شد مطالعات منسجمی در حوزه محرومیت اجتماعی وجود ندارد، هرچند که ادبیات موجود در حوزه فقر بسیار است. در واقع مفهوم فقر و محرومیت اجتماعی بطور گسترده‌ای با یکدیگر مرتبط بوده و همپوشانی فراوانی دارند (مرکزمدیریت منابع توسعه اجتماعی^۵، ۲۰۰۸). به‌طور تاریخی، مفهوم محرومیت اجتماعی در جوامع غربی (جوامع توسعه‌یافته) تفوق یافته است. به‌رحال،

1 Ringen

2 Ward

3 Chirwa

4 Bennet

5 Governance and Social Development Resource Centre

ادبیات اخیر در حوزه محرومیت در کشورهای در حال توسعه است به بازتعریف مفهوم محرومیت اجتماعی بر ساخت غرب زده است. بنابراین، زوهیر و همکاران اذعان دارند که:

"مثال‌هایی از محرومیت وجود دارد که در نبود فقر نیز مطرح می‌گردد، همچنین شرایطی از فقر وجود دارد که شاید ریشه در محرومیت نداشته باشد. زمانی هم مفهوم محرومیت مرزها را درمی‌نوردند و زمانی مواردی از فقر پیش می‌آید که به ندرت با محرومیت در ارتباط است." (زوهیر، ۲۰۰۸: ۲). پارادایم محرومیت اجتماعی، فقر را به عنوان یک عنصر در فرآیند به حاشیه کشیده شدن گروه‌های ویژه که از مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی رنج می‌برند، می‌پندارد (جکسون، ۱۹۹۹). هرچند تحلیل جنسیتی با گفتمان و سیاست‌های فقر، عجین است (جکسون، ۱۹۹۹، کایپر، ۱۹۹۷، رضوی^۱، ۱۹۹۷). در این رویکرد، پیشنهاد می‌شود که مفهوم محرومیت با میزان فقر و ساخت سیاسی، یکسان دانسته شود. فرآیند تبعیض و استثمار منجر به محرومیت و طرد جوامع می‌شود. هویت‌های قومیتی، برای ادغام مردم در شبکه‌های اجتماعی محدودیت‌هایی ایجاد می‌شود. فقر در بین مردم بومی با عوامل پیچیده مستقل داخلی مثل نابرابری قومیتی، تبعیض، نبود آموزش، دسترسی کم به زمین، وابستگی پایین به بازار، کمبود قدرت کار نهادینه شده و نبود استخدام در حوزه‌های دور و روستایی، رابطه بین محرومیت و ایده فقر به عنوان محرومیت قابلیت نشان می‌دهد (شافی و کیلی^۲، ۲۰۰۳: ۱۱). نظریه‌پردازان محرومیت اجتماعی بر طبیعت چند بعدی آن و اینکه تاکید اصلی آن تنها بر نبود دسترسی کافی به منابع نیست، بلکه مشارکت اجتماعی ناکافی، نبود سرمایه فرهنگی و آموزشی، دسترسی کم به خدمات و فقدان قدرت اشاره دارد. به عبارت دیگر، ایده محرومیت اجتماعی در تلاش است که پیچیدگی بی‌قدرتی در جوامع مدرن را بررسی کند. لذا محرومیت اجتماعی مسائل مرتبط و درهم پیچیده‌ای از بیکاری، مهارت کم، درآمد پایین، مسکن نامناسب و محیط پر از جرم، سلامتی ناکافی و از هم پاشیدگی خانوادگی را دربر می‌گیرد (واحد محرومیت اجتماعی، ۱۹۹۸). با این چارچوب، مفهوم محرومیت اجتماعی به فقر چندبعدی مداوم و سیستماتیک محرومیت تجربه‌شده در مدت محدود اشاره دارد (والکر^۳، ۱۹۹۷). در این بعد، مفهوم محرومیت اجتماعی که فرآیند پایین آمدن قدرت و بیگانگی را مد نظر دارد، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. لذا تمرکز همه جانبه محرومیت اجتماعی بر مشکلات، مسیری را که نتایج پویای آن زندگی فردی، خانوادگی و کل محل را در طولانی مدت تحت تأثیر قرار می‌دهد را مشخص می‌کند. بررسی استراتژی‌های توانمند سازی فردی و اجتماعی مهمترین نتیجه چنین بررسی و تحلیلی است. بر طبق مباحث مذکور محرومیت اجتماعی در گفتمان‌های متفاوت ریشه گرفته است و ذات رقابتی فقر و محرومیت اجتماعی با دو رویکرد مادی (مثل اقتصاد، آموزش، سلامتی) و استدلالی (مثل فردی، فرهنگی، اجتماعی، هویتی و ابعاد سیاسی) در ارتباط است.

محروم شدن از روابط اجتماعی می‌تواند منجر به محرومیت‌های دیگری از قبیل محدودیت‌های بیشتر در فرصت‌های زندگی شود. مثل محروم شدن از فرصت‌های اشتغال، کسب اعتبار که خود این موارد فقر و ناتوانی اقتصادی را به دنبال داشته، فقر اقتصادی مسائلی همچون فقر تغذیه و بی‌خانمانی را به دنبال

1 Razaivi

2 Shafie & Kilby

3 Walker

دارد. بنابراین محرومیت اجتماعی می‌تواند یک بخش اساسی از محرومیت قابلیت‌ی و یک دلیل اساسی برای شکست‌های قابلیت‌ی مختلف گردد (سن، ۲۰۰۰: ۵). محرومیت اجتماعی به شرایطی از محرومیت اشاره دارد که فرد و جامعه را متاثر می‌کند. محرومیت اجتماعی تجربه‌ایست توسط مردم که از مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، قدرت، مشارکت سیاسی و دسترسی به منابع جمعی مثل ابزار آموزشی، شبکه خانوادگی و غیررسمی، مصرف کالا، خدمات، تفریح و استراحت بدور هستند. محرومیت از شبکه‌های مهارت‌های ارتباطی، فقر موجود را گسترش می‌دهد. چنین محرومیت‌هایی زمانی بوجود می‌آید که افراد فقیر در پی دسترسی به نهادها و سازمان‌ها و شبکه‌هایی باشند که فرصت‌هایی برای مشارکت و دریافت اطلاعات در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد، و این عدم دسترسی راحت منجر به جدایی آن‌ها از جامعه می‌شود. بنابراین، چنین محرومیتی با کمبود قابلیت اطلاعاتی یعنی کمبود مهارت و دانش و فن لازم جهت استفاده موثر از اطلاعات، مطرح می‌شود (INSINC، ۱۹۹۷).

مسئله اصلی در دیدگاه شبکه، روابط است و واحد تشکیل‌دهنده ساخت جامعه، شبکه‌ها و مجموعه‌ای از «اعضای شبکه» تعاملی هستند. ساخت اجتماعی به عنوان یک شبکه، از «اعضای شبکه» و مجموعه‌ای از «پیوندها» که افراد، کنشگران یا گروه‌ها را به هم متصل می‌سازد، تشکیل شده است. اعضای شبکه می‌توانند افراد، گروه‌ها، نهادها، موجودیت‌های حقوقی و یا سازمان‌ها باشند (ولمن، ۱۹۸۸: به نقل از سوسن باستانی و صالحی هیکویی، ۱۳۸۶: ۶۷). بلوک‌های اصلی شبکه «ارتباط» است و دیدگاه شبکه با مطالعه روابط اجتماعی موجود بین مجموعه‌ای از افراد، به تحلیل ساخت اجتماعی می‌پردازد و ضمن اینکه به کل ساخت توجه می‌کند، الگوی روابط موجود در داخل ساخت را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. بنابراین نقطه تمرکز دیدگاه شبکه این است که به جای توجه و تأکید بر کنشگران و ویژگی‌های فردی‌شان به عنوان واحد تحلیل، به ساختار روابط بین این کنشگران توجه می‌کند (کورتسی^۱، ۲۰۰۴: ۱). نظریه پردازان شبکه معتقدند که باید بر الگوهای عینی پیوندهایی تأکید کرد که اعضای یک جامعه را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. در این زمینه، ولمن^۲ نظریه پردازان شبکه را چنین شرح می‌دهد «تحلیلگران شبکه می‌خواهند قواعد رفتاری آدم‌ها و جمع‌ها را مورد بررسی قرار دهند (ریترز، ۱۳۸۲: ۵۷۶). علاقه اصلی نظریه پردازان شبکه، الگوهای عینی پیوندهایی است که اعضای (فردی و جمعی) جامعه را به هم پیوند می‌دهد. ولمن تأکید آن‌ها را چنین شرح می‌دهد «تحلیل‌گران شبکه با این مفهوم ساده ولی کارآمد آغاز می‌کنند که کار اصلی جامعه‌شناسی بررسی ساختار اجتماعی است. همان الگوهای شبکه‌ای منظمی که در زیر سطح نظام‌های اجتماعی غالباً پیچیده‌ای پیدا می‌شوند، کنشگران و رفتارشان را باید تحت الزام این ساختارها در نظر گرفت. پس تأکید آن‌ها نه بر کنشگران با اختیار، بلکه بر الزام ساختاری است» (همان: ۵۷۷). در حوزه مشارکت، هر کدام از مکاتب موجود در جامعه‌شناسی با توجه به چشم‌اندازهای خود تعابیر متفاوتی از مشارکت ارائه داده‌اند:

مکتب ساخت‌گرایی^۳؛ این مکتب معتقد است که مشارکت اجتماعی مردم جزئی از ساخت اجتماعی هر جامعه را تشکیل می‌دهد. از نظر صاحب‌نظران این مکتب، روابط پایدار نهادینه شده در جامعه‌اند که میزان

1 Kurtosi

2 Welman

3 Structuralism

مشارکت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مشارکت اجتماعی توده مردم، ساخت جامعه را حفظ می‌کند و موجب بقا و ادامه حیات آن‌ها می‌شود. برای بالا بردن مشارکت افراد یا گروه‌ها در جامعه باید تغییرات اساسی در ساخت‌های گوناگون جامعه ایجاد شود.

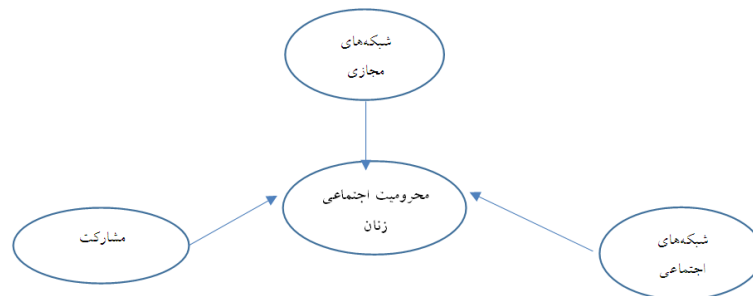
مکتب کارکردگرایی^۱؛ این مکتب توجه خود را به نقش‌ها و کارکردهایی معطوف می‌دارد که مشارکت افراد یا گروه‌ها در جامعه موجب پدید آمدن آن‌ها می‌شود. از نظر طرفداران این مکتب عملکرد یا فونکسیون که مشارکت گروه یا طبقه خاصی در جامعه به‌وجود می‌آورد، حائز اهمیت است. زیرا در نتیجه این کارکردها، نظام اجتماعی می‌تواند به حیات خود ادامه دهد و انسجام اجتماعی و وفاق جمعی را پدید آورد.

مکتب تضاد^۲؛ این مکتب مشارکت اجتماعی را در قالب روابط طبقاتی، مبادله نابرابر و کشمکش و ستیز میان گروه‌ها مورد توجه قرار می‌دهد. نظریه‌پردازان مکتب تضاد، روح جمعی و انسجام اجتماعی را مورد غفلت قرار می‌دهند. این مکتب، معنای عام و واقعی مشارکت را در جامعه‌ای آرمانی و بی‌طبقه جست‌وجو می‌کند.

دیدگاه‌های فرهنگی^۳؛ این دیدگاه جنبه‌های پویایی مشارکت را برحسب ایجاد تغییرات در ساخت هنجارهای جامعه، به‌خصوص مجموعه‌ای از ارزش‌ها که مانع یا مشوق مشارکت اجتماعی می‌شوند، بررسی می‌کند. در این دیدگاه‌ها اهمیت متغیرهای ساختی انکار نمی‌شود ولی ارزش‌های فرهنگی پیش‌نیاز اساسی برای وصول به مشارکت اجتماعی محسوب می‌شوند.

دیدگاه‌های روان‌شناختی^۴؛ این دیدگاه افزایش مشارکت در جامعه را ناشی از تغییر در نگرش، افکار و شخصیت افراد می‌دانند. در این دیدگاه، تأکید بر الگوهای تغییر در سیستم اعتقادات و خصوصیات شخصیتی است، مردم باید از نظر روانی، انگیزه کسب موفقیت بیشتر را داشته باشند. انسان مدرن، شهروندی مشارکت‌کننده، آگاه، مستقل، خودمختار و قابل‌انعطاف است و نسبت به انجام وظایف و کارها احساس مسئولیت کامل می‌کند.

مدل نظری تحقیق



- 1 Functionalism
- 2 Conflict
- 3 Cultural Perspectives
- 4 Psychological Perspectives

فرضیه‌های تحقیق

- بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و محرومیت اجتماعی زنان شهر ارومیه رابطه وجود دارد. به گونه‌ای که با افزایش استفاده از شبکه‌های اجتماعی، محرومیت اجتماعی آنها کاهش می‌یابد.
- بین استفاده از شبکه‌های مجازی و محرومیت اجتماعی زنان شهر ارومیه رابطه وجود دارد. به گونه‌ای که با افزایش استفاده از شبکه‌های مجازی، محرومیت اجتماعی آنها کاهش می‌یابد.
- بین مشارکت و محرومیت اجتماعی زنان شهر ارومیه رابطه وجود دارد. به گونه‌ای که با افزایش مشارکت، محرومیت اجتماعی آنها کاهش می‌یابد.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع پیمایشی است. با توجه به موضوع تحقیق از نوع پژوهش تحلیلی و تبیینی است. سطح تحلیل خرد است. از نظر زمانی، پژوهش حاضر، مقطعی می‌باشد، تحقیق از نظر میزان ژرفایی از نوع پهنانگر است. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن معیار کاربرد از نوع کاربردی است.

جمعیت نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کل خانوارهای شهری ارومیه در سال ۱۳۹۰ بود که برابر است با ۱۷۵۶۵۷ که از این میزان ۴۳۰ نفر به عنوان نمونه آماری توسط فرمول کوکران بدست آمد. انتخاب نمونه با تلفیق نمونه‌گیری سهمیه‌ای - تصادفی (احتمالی)، صورت گرفته است. بدین معنا که از بین مناطق سرشماری شهر، تعداد خانوارها مشخص و از هر منطقه به میزان سهم آن منطقه از جمعیت خانوار تعیین گردیده و در هر واحد مسکونی که بطور تصادفی انتخاب شده تنها یک زن بالای ۱۸ سال مورد پرسش قرار گرفته است.

روایی و پایایی

اعتبار بر این امر دلالت دارد که شیوه یا ابزار جمع‌آوری داده‌ها تا چه حد به درستی آنچه که قرار است بسنجد، می‌سنجد (میرزایی، ۱۳۸۹: ۱۷۱) یک روش پرکاربرد برای سنجش اعتبار محتوا میزان موافقت میان ارزیابان یا داوران در خصوص «مناسب یا اساسی بودن» یک گویه خاص می‌باشد (همان: ۱۷۲). مطابق این روش می‌توان گفت که گویه‌های مربوط به متغیرهای تحقیق به علت توافق نظر داوران مبنی بر مناسب بودن، دارای اعتبار محتوا می‌باشد. در این پژوهش برای تعیین قابلیت اعتماد از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. بدین ترتیب که با انجام یک تحقیق مقدماتی با حجم نمونه ای معادل ۳۰ نفر از شهروندان ارومیه که به صورت تصادفی انتخاب شدند، میزان آلفای کرونباخ کلی ۰/۷۰ به دست آمد، که در علوم انسانی مورد قبول است (ادریسی، ۱۳۸۶).

تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ	شاخص تحقیق
۱۴	۷۰.	محرومیت اجتماعی
۵	۷۰.	شبکه‌های اجتماعی
۲	۹۰۵.	شبکه‌های مجازی
۵	۷۵۱.	مشارکت

تعاریف متغیرها

شبکه‌های اجتماعی و مجازی

کاستلز جهان شبکه ای را باعث بیگانگی انسان‌ها از یکدیگر و غریبه انگاشتن هم می‌داند و می‌گوید: در شرایطی که کارکرد و معنا دچار دوگانگی ساختاری هستند، الگوهای ارتباط اجتماعی بیش از پیش دچار تنش می‌شوند و وقتی ارتباط به معنای دادوستد مفهومی از میان می‌رود، وقتی دیگر هیچ‌گونه ارتباطی حتی به صورت ارتباط خصمانه وجود نداشته باشد، گروه‌های اجتماعی و افراد از یکدیگر بیگانه می‌شوند و یکدیگر را به چشم غریبه و نهایتاً به منزله یک تهدید می‌نگرند. در این روند، از آنجاکه هویت‌های خاص‌تر و مشارکت در آن‌ها هرچه دشوارتر می‌شود، تجزیه و پراکندگی اجتماعی گسترش می‌یابد (کاستلز، ۱۳۸۹: ۲۹-۳۰).

این متغیر را با استفاده عضویت در شبکه‌های اجتماعی فیزیکی (عضو گروه‌های همسالان و دوستان، گروه‌های حمایتی (یا مجازی) و شرکت در بحث‌ها و مباحثات بین کاربران، (مورد سنجش قرار می‌دهیم. شبکه اجتماعی از نقطه نظر منابعی که کنشگران ممکن است از طریق پیوندهای اجتماعی به آن دسترسی پیدا کنند، تعریف می‌شود. این متغیر با میزان زمان صرف شده برای استفاده از فضاهای مجازی، نوع فضای مورد استفاده، نوع کاربرد فضای مجازی، صرفاً استفاده از فضای مجازی یا داشتن مشارکت و میزان زمان صرف شده برای تماس با اینترنت در هفته در سطح سنجش فاصله ای مورد سنجش قرار گرفته است.

مشارکت

به‌طور کلی می‌توان گفت که مشارکت اجتماعی حوزه وسیعی از فعالیت‌ها را دربر می‌گیرد مثل: عضویت، همکاری و فعالیت‌های فردی و جمعی افراد جامعه در انجمن‌ها و تشکل‌های دولتی و غیردولتی اعم از انجمن‌های مذهبی، علمی، اجتماعی، اقتصادی، حرفه‌ای، شغلی، انجمن‌های محلی، منطقه‌ای و ملی، ستادهای بازتابی و کوتاه‌مدت‌ای (ستادهایی که برای مدتی کوتاه در مواقع خاص برای واکنش به یک حادثه تشکیل می‌شود)، احساس مسئولیت در قبال هموعان از طریق احترام به حقوق مشروع و قانونی آنان، شرکت و همکاری در برگزاری مراسم و جلسات مختلف خیریه اعم از مجالس، اعیاد ملی-مذهبی و غیره.

مشارکت اجتماعی ریشه در ساخت و روابط گروهی در سطوح محلی و ملی دارد و در نهایت مبتنی بر یک فرایند است، فرایندی که طی آن اطمینان و همبستگی میان مردم برقرار می‌شود. مشارکت فرهنگی؛ در این نوع مشارکت، مردم در تولید فرهنگ و ارتقای آن در بین گروه‌ها دخالت می‌کنند (سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۲). مشارکت روانی؛ این نوع مشارکت مورد تأکید روان‌شناسان اجتماعی است، و دلالت بر نوعی درگیری ذهنی و عاطفی دارد که زمینه‌ساز ابتکارات جمعی است. (غفاری، ۱۳۸۶: ۱۶). مشارکت به‌عنوان وسیله؛ مشارکت به‌عنوان ابزار و واقعیت مهمی که در راه توسعه اجتماعی نقش ایفا می‌کند نگریده و بر ارزش وسیله‌ای آن تأکید می‌کنند. در این دیدگاه با بهره‌گیری از دو وسیله جهت تحقق این نوع از مشارکت عمل می‌شده است: طرح‌های توسعه‌ای، که هدف آن‌ها آماده کردن مردم برای تشریک مساعی در برنامه‌های عمرانی دولت بوده است. تأسیس سازمان‌های رسمی، که هدف آن‌ها ارائه ساختاری بوده که از طریق آن مردم بتوانند با طرح‌های توسعه رابطه داشته باشند (مثل: تعاونی‌ها، اتحادیه‌های کشاورزی و ...). مشارکت به‌عنوان هدف؛ با تأکید بر نقش مشارکت در تحقق انسان و جامعه انسانی، مشارکت را به‌عنوان یکی از اهداف و ارزش‌های اساسی انسانی و توسعه یاد نموده و برای آن ارزش غایی یا ذاتی قائل هستند. لذا در این دیدگاه فعالیت‌های اجتماعی و مشارکت در سازمان‌های اجتماعی وظیفه شهروندان فعال محسوب می‌گردد.

محرومیت اجتماعی

در دوره جدید محرومیت اجتماعی مفهومی است چندبعدی که جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را در برمی‌گیرد. مناطقی که درجه بالایی از محرومیت اجتماعی را دارند، ممکن است تسهیلات محلی و اجتماعی محدودی داشته باشند، تسهیلاتی مثل پارک، زمین ورزش، مراکز فرهنگی و تئاتر. سطح مشارکت مدنی در این مناطق غالباً نازل است. اما محرومیت اجتماعی فقط حاصل جدا شدن مردم نیست بلکه ممکن است نتیجه کناره‌گیری داوطلبانه افراد از ابعاد و جنبه‌های گوناگون جریان امور جامعه باشد. افراد می‌توانند به میل خود تصمیم به ترک تحصیل، نادیده گرفتن یک فرصت شغلی و نپرداختن به فعالیت اقتصادی، بگیرند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۴۶۶). محرومیت اجتماعی محرومیتی چند بعدی و طولانی مدت است که شامل جدایی از جریان اصلی محیط اجتماعی- فرهنگی و شغلی جامعه می‌شود، اطلاق می‌گردد (روم^۱، ۱۹۹۴: ۲۵). محرومیت اجتماعی، تأکید بر حیثیت، قدرت و منزلت اجتماعی مشارکت دارد به عبارت دیگر محرومیت اجتماعی به معنای بی‌قدرتی است به گونه‌ای که افراد جامعه به واسطه آن محروم از حق شهروندی و مشارکت اجتماعی می‌شوند. محرومیت اجتماعی در پژوهش حاضر از ابعاد احساس شهروندی با مولفه‌های مدنی، سیاسی، اجتماعی، منزلت و اعتبار سنجیده شده است که گویه‌ها به ترتیب شامل مفاهیم برخورداری از آزادی اجتماعی/ برخورداری از حقوق برابر و همبستگی، برخورداری از حقوق سیاسی، مشارکت سیاسی، برخورداری از رفاه و تامین اجتماعی، آموزش، امنیت، تامین اشتغال و خدمات بهداشتی، خدمات اساسی، احساس رضایت از جایگاه اجتماعی/ داشتن آبرو و احترام در جامعه، تمایل به

مشارکت در فعالیتهای جمعی/ احساس هویت جمعی و اجتماعی/ احساس تنهایی و انزوای اجتماعی می- باشد. همچنین از بعد همبستگی اجتماعی با مولفه‌های اعتقاد به ارزش‌ها و باورهای مشترک، مشورت، تفاهم جمعی و نوع دوستی با گویه‌های داشتن اهداف و آرمان‌های مشترک، ارزشهای اخلاقی مشترک، شرکت در تصمیم‌گیری‌ها، احترام به نظرات افراد، کمک به افراد، شرکت در امور خیریه و عام‌المنفعه، به ترتیب سنجیده شده است.

یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های عمومی پاسخگویان

با توجه به حجم نمونه، طبق نتایج به دست آمده، ۵۶٫۵٪ پاسخگویان متأهل و ۳۶٫۳٪ مجرد، ۵٫۱٪ جدانشده از همسر و ۲٫۱٪ همسر فوت شده می‌باشند. میزان تحصیلات ۳۵٫۹٪ پاسخگویان زیردیپلم، ۱۴٫۳٪ فوق دیپلم، ۳۹٫۴٪ لیسانس، ۸٫۸٪ فوق لیسانس و ۱٫۷٪ دکتری می‌باشد که بیشترین میزان مربوط به سطح تحصیلات لیسانس می‌باشد. میزان درجه شغلی ۴۴٫۹٪ پاسخگویان خیلی پائین، ۱۰٫۵٪ پائین، ۱۸٫۹٪ متوسط، ۲۴٫۶٪ بالا و ۱٫۱٪ خیلی بالا می‌باشند که بیشترین میزان مربوط به درجه شغلی خیلی پائین می‌باشد. طبق نتایج به دست آمده، ۸۶٫۳٪ پاسخگویان مذهب شیعه و ۱۲٫۳٪ مذهب سنی، ۰٫۹٪ مذهب مسیحی و ۰٫۵٪ دارای مذهب بهائی می‌باشند که بیشترین میزان، مربوط به مذهب شیعه می‌باشد. میزان قومیت ۸۷٫۵٪ پاسخگویان ترک، ۱۱٫۳٪ کرد، ۱٫۳٪ فارس می‌باشند که بیشترین میزان مربوط به قومیت ترک می‌باشد. طبق نتایج به دست آمده، ۸٫۴٪ پاسخگویان خودشان سرپرست خانوار هستند و ۵۴٫۹٪ همسر، ۰٫۵٪ پدرشوهر و ۳۶٫۲٪ سایرین می‌باشند که بیشترین میزان، مربوط به همسر به عنوان سرپرست خانوار می‌باشد.

یافته‌های استنباطی

- بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و محرومیت اجتماعی زنان شهر ارومیه رابطه وجود دارد. به گونه‌ای که با افزایش استفاده از شبکه‌های اجتماعی، محرومیت اجتماعی آن‌ها کاهش می‌یابد. محرومیت اجتماعی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $\text{Sig}=0,000$ با شبکه‌های اجتماعی همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی که برابر است با $r=0,33$ شدت این رابطه متوسط ارزیابی می‌شود و علامت این ضریب که منفی است، گویای جهت معکوس رابطه بین دو متغیر می‌باشد. به عبارت دیگر هرچه استفاده از شبکه‌های اجتماعی افزایش یابد، محرومیت اجتماعی کاهش می‌یابد و بالعکس.
- بین استفاده از شبکه‌های مجازی و محرومیت اجتماعی زنان شهر ارومیه رابطه وجود دارد. به گونه‌ای که با افزایش استفاده از شبکه‌های اجتماعی، محرومیت اجتماعی آن‌ها کاهش می‌یابد. محرومیت اجتماعی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $\text{Sig}=0,000$ با شبکه‌های مجازی همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی که برابر است با $r=0,20$ شدت

این رابطه متوسط ارزیابی می‌شود و علامت این ضریب که منفی است، گویای جهت معکوس رابطه بین دو متغیر می‌باشد. به عبارت دیگر هرچه استفاده از شبکه‌های مجازی افزایش یابد، محرومیت اجتماعی کاهش می‌یابد و بالعکس.

- بین مشارکت و محرومیت اجتماعی زنان شهر ارومیه رابطه وجود دارد. به گونه‌ای که با افزایش مشارکت، محرومیت اجتماعی آن‌ها کاهش می‌یابد.

محرومیت اجتماعی در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $Sig=0,000$ با مشارکت همبستگی معناداری دارد و با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی که برابر است با $r=0,37$ شدت این رابطه قوی ارزیابی می‌شود و علامت این ضریب که منفی است، گویای جهت معکوس رابطه بین دو متغیر می‌باشد. به عبارت دیگر هرچه مشارکت افزایش یابد، محرومیت اجتماعی کاهش می‌یابد و بالعکس.

جدول بررسی آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های مجازی، مشارکت و محرومیت اجتماعی

مشارکت	شبکه‌های مجازی	شبکه‌های اجتماعی		
-۰,۳۷۳	-۰,۲۰۷	-۰,۳۳۸	R	محرومیت اجتماعی
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	Sig	

رگرسیون چند متغیره

با توجه به معناداری آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی تحقیق که پیش شرط آزمون رگرسیون می‌باشد، حال در اینجا جهت تعیین میزان تأثیر متغیرهای مستقل مشارکت، شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های مجازی بر محرومیت اجتماعی از رگرسیون خطی با روش Stepwise استفاده شده است. به کمک این روش سه مدل برای تبیین متغیر وابسته پیشنهاد شده است؛ در زیر هر یک از مدل‌ها به ترتیب متغیرهای وارد شده که بیشترین تأثیر را بر محرومیت اجتماعی می‌گذارند آورده شده است: مدل اول: مشارکت، مدل دوم: مشارکت، شبکه اجتماعی، مدل سوم: مشارکت، شبکه اجتماعی، شبکه مجازی.

با توجه به نتایج جدول بالا، مقدار ضریب تبیین (R^2 به دست آمده برای تبیین محرومیت اجتماعی در مدل اول $R^2=0,13$ ، در مدل دوم $R^2=0,21$ در مدل سوم $R^2=0,22$. بنابراین در مدل سوم با سه متغیر ضریب تبیین متغیر وابسته افزایش یافته است. به عبارت دیگر مدل سوم جهت تبیین محرومیت اجتماعی قوی‌تر است. در پی پاسخ به این سوال که بین این سه متغیر مستقل بیشترین تأثیر مربوط به کدام متغیر است، از معادله رگرسیونی استاندارد شده استفاده می‌شود.

فرمول ضریب رگرسیونی استاندارد شده به صورت زیر می‌باشد:

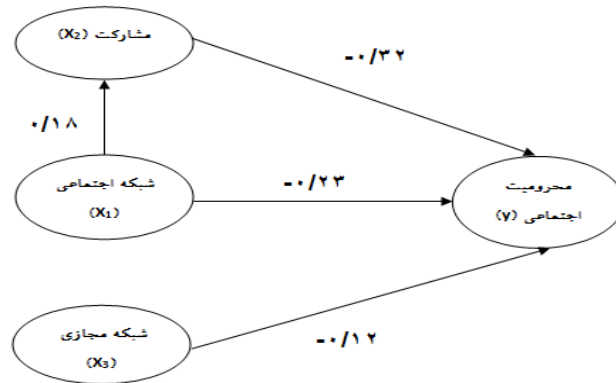
$$Zy = B_1.X_1 + B_2.X_2 + B_3.X_3$$

$$Y = (شبکه‌های مجازی) - 0,12 - (شبکه‌های اجتماعی) - 0,23 - (مشارکت) - 0,32$$

با توجه به معادله فوق، بیشترین تأثیر به ترتیب مربوط به متغیرهای مشارکت، شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های مجازی می‌باشد.

تحلیل مسیر

جهت تعیین میزان و نحوه تأثیر متغیرهای مستقل مشارکت، شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های مجازی بر متغیر وابسته محرومیت اجتماعی از تحلیل مسیر استفاده شد و نهایتاً مدل ذیل بدست آمد.



بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر به بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی و مشارکت بر محرومیت اجتماعی زنان پرداخت. نتایج همسو با دیگر مطالعات داخلی و خارجی، که پیش‌تر بدان اشاره شد می‌باشد. با توجه به ابعاد متفاوت و رابطه‌ای عوامل موثر بر محرومیت اجتماعی، عامل شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های مجازی و مشارکت بر محرومیت اجتماعی زنان موثر بوده است. در دهه‌های اخیر، رویکردهای جنسیتی، با ربط دادن مساله "جنسیت" به فقر، الگوها و ابعاد جدید را آشکار نموده‌اند. به هر حال، سیاست‌های جهانی منسجم راجع به زنان توسط سازمان ملل، از طریق برنامه‌های عملی پکن در ۱۹۹۵، اتخاذ کرده است. اگر در توسعه پایدار کشورها، نقش زنان از اهمیت برخوردار است باید به مسائلی از قبیل توانمندسازی و برابری زنان تاکید شود. لذا کاهش موانع مشارکت کامل زنان در تمامی حوزه‌های زندگی، مانند اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ضروری می‌نماید، امکان ایجاد بسترها و فرصت‌های متناسب جهت مشارکت کامل و برابر زنان و قدرت تصمیم‌گیری در زندگی، کاهش موانعی که از مشارکت کامل زنان در تمامی حوزه‌های زندگی اجتماعی ممانعت به عمل می‌آیند، ضروری می‌نماید.

در جامعه‌ای که به سوی دستیابی به توسعه پایدار و همه جانبه گام برمی‌دارد، بهره‌مندی از مواهب توسعه، از حقوق اصلی مردم آن جامعه است. در این رابطه انتظار می‌رود اقشار و گروه‌های مختلف جامعه در هدف نهایی فرایند توسعه که تحقق برابری، عدالت، رعایت کامل حقوق بشر و ... می‌باشد، سهیم باشند، اما به استناد به تجربه تاریخ، زنان همواره از دستیابی کامل به مواهب توسعه دور مانده‌اند و این مهم در تمامی جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قابل بررسی است. بسیاری از برنامه‌ها به دلیل طراحی نمودن آن‌ها، بدون در نظر گرفتن نگرش جنسیتی و توجه کافی به نقش زنان به عنوان

عوامل و بهره‌وری از تمام ظرفیت‌های موجود در جامعه می‌باشد، از این رو نمی‌توان نیمی از جمعیت را در این میان نادیده گرفت. بدون شک، تنها عاملی که سرعت و آهنگ رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی را تسریع می‌بخشد، "منابع انسانی" آن جامعه است. این جامعه انسانی نیز متشکل از زنان و مردانی است که تحت روابط متقابل اجتماعی، در عین وابستگی متقابل هر یک از دو جنس به یکدیگر، نقش و کارکرد ویژه‌ای را ایفا می‌کنند و بی‌تردید زنان، به عنوان نیمی از جمعیت نیز، تاثیر مستقیمی در توسعه جامعه دارند. لذا، محرومیت اجتماعی به عنوان یکی از مسائل مهم توسعه که زندگی میلیون‌ها نفر را تحت الشعاع قرار داده است به یکی از مهم‌ترین مسائل توسعه در کشورهای توسعه یافته تبدیل شده است. چرا که علی‌رغم برنامه ریزی‌ها جهت مشارکت اجتماعی گروه‌های حاشیه‌ای، هنوز برنامه‌ها به نحو احسن عملیاتی نشده‌اند. مسیر توسعه، تنها توانسته ثروت و قدرت را برای برخی و محرومیت و آسیب را برای اکثریت به ارمغان بیاورد.

پیشنهادهاد

- بررسی پیشینه‌ی مطالعات انجام گرفته در حوزه محرومیت اجتماعی بیانگر آن است که عمده مطالعات قبلی، به مطالعه فقر و با رویکرد تقلیل‌گرایانه انجام شده است و پژوهشی با رویکرد محرومیت اجتماعی به پدیده محرومیت اجتماعی نگاهی صورت نگرفته است، از این رو، انجام پژوهش‌هایی با رویکرد جامعه‌شناختی محرومیت اجتماعی می‌تواند به توسعه و گسترش دانش در این حوزه کمک شایانی نماید. لذا پیشنهاد می‌گردد به منظور برای پر کردن این خلاء مطالعاتی، مراکز علمی بخشی از زمان و بودجه پژوهشی را به تولید علم در این زمینه اختصاص دهند.
- با توجه به اینکه پژوهش حاضر به مطالعه سه عامل موثر بر محرومیت اجتماعی پرداخته است پیشنهاد می‌شود عوامل احتمالی دیگر نیز بررسی شود.
- نتایج پژوهش گویای این است که محرومیت اجتماعی به کاهش مشارکت و درنهایت به کاهش انسجام و همبستگی میان افراد جامعه می‌شود. لذا پژوهش حاضر می‌تواند در برنامه‌ریزی‌ها جهت افزایش انسجام و مشارکت در ارگان‌های مربوطه مفید واقع شود.

منابع

- ادریسی، افسانه (۱۳۸۶)، *جزوه آمار پیشرفته*، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال. باستانی، سوسن؛ صالحی هیکوئی، مریم؛ ۱۳۸۶؛ «*سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران*»؛ نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰، صص ۶۳-۹۶.
- باستانی، سوسن و همکاران (۱۳۹۳) "*طرد اجتماعی مورد مطالعه: طرد عینی و ذهنی سالمندان*"، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۴، شماره ۲، صص ۵۹۹-۶۲۶.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۲)؛ "*نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*"؛ ترجمه: محسن ثلاثی؛ تهران، انتشارات علمی - فرهنگی؛ چاپ هفتم.

- سعیدی، محمدرضا، (۱۳۸۲)، "درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی تهران" سازمان مطالعه و تدوین کتاب علوم انسانی دانشگاه (سمت).
- شادی طلب، ژاله و حجتی کرمانی، فرشته؛ (۱۳۸۶-۸۷)، "فقر و سرمایه اجتماعی در جامعه روستایی"، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸.
- غفاری، غلامرضا و تاج‌الدین محمدباقر؛ (۱۳۸۳)، "شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی"، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶)، "جامعه‌شناسی مشارکت" نشر نزدیک.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۹)، "عصر اطلاعات: اقتصاد-جامعه-فرهنگ"؛ ترجمه: حسن چاوشیان؛ تهران، طرح نو: جلد ۲؛ چاپ ششم.
- کاشی، فرهاد، حیدری، خلیل (۱۳۸۸). "اندازه‌گیری شاخص‌های فقر براساس عملکرد تغذیه ای خانوارهای ایرانی" پژوهشنامه اقتصادی سال نهم، شماره سوم، پاییز.
- گیدنز، آنتونی و بردسال، کارن؛ (۱۳۸۶)، "جامعه‌شناسی"، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نی، چاپ اول.
- موحدی، بهناز، (۱۳۸۰)، "زنان، توسعه و تعدد نقش‌ها"، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، تهران: برگ زیتون.
- میرزایی، خلیل (۱۳۸۹)، "طرح و پایان نامه نویسی"، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.

- Abdolrahman, Omar Ismael (2010), "Time Poverty, A Contributor to Women's Poverty", Journal Statistique African, Numero 11. November.
- Bennet, J. M. (2006), "History matters: patriarchy and challenge of feminism", Philadelphia: University of Pensilvania Press.
- Chirwa, W. Chijere (2002), "Social exclusion and inclusion: challenges to orphan care in Mlawi". Nordic Journal of African Studies, 11(1): 93-113.
- De, Hann. A. (1998), "Social exclusion: an alternative concept for the study of deprivation", IDS Bulletin, 29 (1): 10- 19.
- DFID. (2005), "Reducing poverty by tackling social exclusion". Uk: The Department of International Development.
- Jackson, C. (1999), "Social exclusion and gender: Does on size fit all?" The European journal of Development Research, 11(1): 125-146.
- Kabeer, Naila (1997), "Women, wages and intra household power relations in urban Bangladesh", Development and change, 28(20): 262-302.
- Kurtosi, sofia (2004), "Aspects of Gender in Social Network"; Social Identity, Information and Markets; Proceeding of Faculty of Economics and Business Administration.
- Lenoir, R. (1974), "Les Exclus", Le seuil, Paris: UN francais sur Dix.
- Levitas, R. (2005), "The inclusive society: Social exclusion and new labor", Hamsphire: Palgrave Macmillan.
- Moghaddam, Valentine, M. (2005), "The Feminization of Poverty and Women's Human Rights", SHS paper in women's studies/Gender Research. No 2. Gender Equality and Development Section, Social and Human Sciences Sector.
- Mokate, Karen. (2004), "Woman's Participation in Social Development: Experience from Asia, Latin Africa", Inter-American Development Bank: 1300 New York, NW Washington.
- National Working Party on Social Inclusion (INSINC), (1997), the net result: Social inclusion in the information society. London: IBM.

- Platt, Lucinda. (2009), "Social activity, Social isolation and ethnicity", *The Sociological Review*, 57(4): 645-702.
- Powell, F. (1995), "Citizenship and Social Seclusion", *Administration*. 43(3): 23-35.
- Razaivi, S. (1997), "Fitting Gender into Development institutions", *World Development*, 25(7): 1111-1125.
- Ringen, S. (1988), "Direct and indirect measures of poverty", *Journal of Social Policy*, 17(3): 351-366.
- Room, G (1994), "Understanding Social Exclusion: Lessons from Transnational research Studies", paper Presented at the conference on poverty studies in the European Union: Retrospect and prospect, policy studies Institute, London
- Sen, Amartya (2000), "Social Exclusion: Concepts, Application and Scrutiny", *Social Development Papers*, No 1, Asian Development Bank.
- Sen, Amartya (1981), "Poverty and Famines", an essay on entitlement and destitution. Oxford: oxford University press.
- Shafie, H. and Kilby, p. (2003), "Including the excluded: Ethnic inequality and Development in Northwest Bangladesh", *Labor and management in Development Journal*, 4(3): 1-15.
- Social Exclusion Unit (1998), *Social Exclusion Unit homepage, London: Cabinet Office*, Available from: <http://www.open.gov.uk/co/seu> [Accessed 14/ 10/ 20016].
- United Nations. (1995), "The Copenhagen Declaration and Program of Action", World Summit for Social Development 6-12 March, 1995. New York: United Nations Department of Publication.
- Walker, A. (1997), "Introduction: the strategy of inequality", in A. Walker and C. Walker, (eds.), *Britain divided: the growth of social exclusion in the 1980s and 1990s*. London: Child Poverty Action Group.
- Ward, Nicki. (2009), "Social Exclusion, social Identity and Social Work: Analytical Discursive Perspective", *the International Journal* 28(3). [Online]. Available from <http://dx.doi.org/10.1080/02615470802659332>. [Accessed 7 November 2016].
- Wazed, Soniya. (2012), "Gender and Social Exclusion /Inclusion", A Study of Indigenous women in Bangladesh. A thesis Submitted to the University of Birmingham for the Degree of Doctor of Philosophy.
- Wellman, B. (1992) "Which Type of Ties and network Provide what Kinds of Social Support?" *Advances in Group Processes*, 9: 207-235.
- Williams, Joanna. (2006), "A critical investigation into the development and impact of social inclusion policies upon PCET", In the British Educational Research Association New Researchers/ Student Conference, University of Warwick, 6 September 2006. [Online]. Available from : <http://www.leads.ac.uk/educol/documents/157205.htm> [Accessed 7 November 2016].
- Wilson, L. (2006), "Developing a Model for Measurement of Social Inclusion and Social Capital in Rwgional Australia", *Social Indicators Research*, 75, pp. 335-360.
- Zohir, S., et al. (2008), "Exclusion and Poverty: An Analytical Approach for Understanding Exclusion and Accessing Targeting the Very Poor in Bangladesh", BRAC/ Economic Research Group. [Online]. Available from: <http://www.bracresearch.org/>[Accessed 7/11/2016]